

قبولی شخص ثالث در اسناد تجاری

حمید میری*

حسین کاویار**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۲/۰۸

چکیده

اگر برات یا چک مورد قبولی برات گیر یا محال علیه چک قرار نگیرد، دارنده می‌تواند یا بی‌درنگ به مسئولین دیگر مراجعه کند، یا طلب ضامن نماید. قبول ثالث برای جلوگیری از بازگشت به صادرکننده و پشت‌نویس پیش از سررسید است و می‌تواند جزئی یا کامل باشد. این قبولی، پس از وخواست نکول قابل انجام است. بررسی سرشت حقوقی قبولی ثالث بر پایه نظریه پیشنهاد با این ایراد برجسته روبروست که شناسایی دو قرارداد، گاه بر پایه پنداشتی بسیار دور است. نظریه اداره فصولی مال دیگری نیز توجیهی دور است و پوشش دهنده همه حالات پیدایش عمل حقوقی قبول شخص ثالث نیست. همین نکوهش را نظریه نمایندگی در برابر خویش می‌بیند. در برابر دیدگاه تعهد یک سویه، یکی از اراده‌های نقش آفرین در پیدایش این عمل را نادیده می‌گیرد. ضمان نیز نه تنها مشکلی را نمی‌گشاید، بلکه زاینده دشواری‌های نوینی است؛ به ویژه اینکه بر مبنای تفسیر اراده طرفین به سختی می‌توان آن را برداشت نمود. از این روی، به نظر می‌رسد، قبولی شخص ثالث، یک عمل حقوقی خاصی بوده که در بردارنده حقوق و تکالیف برخاسته از آن است.

کلیدواژگان:

برات، تعهد یک سویه، دو قرارداد، سند قابل انتقال، قبولی ثالث.

* استادیار، دانشگاه گنبد کاووس (نویسنده مسئول)

ha_miri@gonbad.ac.ir

** استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه اراک

h-kaviar@araku.ac.ir

مقدمه

یکی از سازوکارهای موجود برای افزایش مقبولیت و از طریق کاهش ریسک عدم پرداخت اسناد تجاری که گویای دستور پرداخت به شخص دیگری برای پرداخت مبلغ به دارنده می‌باشد، مداخله ثالث برای پرداخت است. به راستی ممکن است که این اسناد به هر دلیلی از سوی محال‌علیه نکول شود؛ حتی اگر وی مبلغ معادل سند را به صادرکننده بدهکار باشد که در این صورت هیچ مسئولیتی از دید سند تجاری نخواهد داشت. از سوی دیگر، نکول ممکن است به اعتبار این گونه اسناد آسیب بزند و چالشی ناگوار بر سر راه گردش آزاد آنها بیافریند. از همین روست که این نهاد را دست‌کم در متن قوانین در بیشتر رژیم‌های حقوقی می‌توان دید.^۱

از دید حقوقی، شناخت سرشت حقوقی آن یکی از پیچیده‌ترین مباحث حقوقی اسناد تجاری است. ارزشمندی انجام این بررسی را هم به لحاظ لزوم نگرش به آثار حقوقی آن و هم نیاز به جبران کاستی موجود در ادبیات حقوقی^۲ در این زمینه می‌توان دید. البته، بر این امر معترفیم که

۱. حتی بیش از یک قرن پیش، نویسندگان کتاب حقوق اسناد تجاری با این برداشت که نهاد قبولی ثالث در عرف آن دوران این کشور جریانی نداشته است، قانون‌گذار بریتانیایی را به خاطر وضع مقرراتی در این زمینه مورد نکوهش قرار داده‌اند. (Bigelow, M. Madison, *The Law of Bills, Notes, and Cheques*, 2nd ed. (Boston: Little, Brown, 1990:61). برخی نیز (Geva, Benjamin. "The Modernization of the Bills of Exchange Act: A Proposal", *Canadian Business Law Journal* 50, 2011; 28)، در راستای بازنگری قانون بروات کانادا که از قانون بروات انگلستان الگوبرداری شده است، به دلیل کهنگی، منسوخ شدن و عدم کاربرد قبولی ثالث چه در فرض نکول و چه پرداخت، پیشنهاد حذف بی‌بازگشت آن را از قانون داده‌اند (Itriago, S. "Acceptance by Intervention in Bills of Exchange", *Michigan Law Review* 43(5), 1945: 939).

۲. اگرچه در بسیاری از نوشتارهای حقوقی پیرامون اسناد تجاری گفته‌هایی پیرامون نهاد قبولی ثالث در برات می‌توان دید (کاویانی، کوروش، *حقوق اسناد تجاری*، تهران: میزان، ۱۳۹۳)؛ در این نوشتار چیزی درباره این نهاد نیامده است، ولی به مسئله شناسایی سرشت آن گریسته نشده (اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت: برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک*، تهران: سمت، چاپ هفتم، ۱۳۸۳، صص ۹۵-۹۲؛ عبادی، محمدعلی، *حقوق تجارت*، تهران: گنج‌دانش، ۱۳۹۲، ص ۲۳۸؛ فخاری، امیرحسین، *اندیشه‌های حقوقی (۳): حقوق تجارت*، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۵، صص ۷۲-۷۵) یا نگرش کوتاهی شده است (سقری، ۱۳۸۰، محمد، *حقوق بازرگانی: اسناد*، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، صص ۲۳۸-۲۴۱؛ اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت تطبیقی: چک، سفته و برات در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس*، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۲، صص ۸۰-۸۱).

از لحاظ سودمندی عملی، هم‌چنان ایراد بزرگِ عدم رواج برات و چه بسا، ناامیدی از نوزایی آن از سوی قانون‌گذار^۱ هم‌چنان پای‌برجاست.

پیرامون چک، باید به این امر اشاره داشت که اگرچه این سند تجاری همچون برات در بردارندهٔ دستور پرداخت مبلغ است و در مقررات برخی از کشورها همانند انگلستان (بخش ۷۳ ق.ب.ا.)^۲ و ایران (ماده ۳۱۴ ق.ت.)، مگر در مواردی، مشمول قواعد فراگیر حاکم بر برات بوده، از این دید، عمل قبولی دربارهٔ آن نیز قابل پیدایش است؛^۳ ولی، چون امروزه محال‌علیه چک (بانک) تعهد مستقلی در برابر دارنده ندارد، بلکه اصولاً فقط در صورت وجود تأمین موجودی (محل چک) اقدام به پرداخت می‌نماید،^۴ عمل قبولی رخ نمی‌دهد. از همین روی است که مادهٔ ۴ کنوانسیون یکنواخت ژنو پیرامون چک ۱۹۳۴ عمل قبولی را دربارهٔ چک متصور نمی‌داند و در صورت وجود واژگانی بر روی سند مبنی بر قبولی آن را کَانَ لَمْ یَكُنْ می‌داند. از آنجاکه در چنین چکی، عمل قبولی دیگر مصداق ندارد، سخن از قبولی ثالث نیز بی‌معناست و دخالت ثالث مگر به شکل ضمانت از صادرکننده یا پشت‌نویسان ممکن نخواهد بود. با وجود این، در حقوق ما و پیرامون چک غیربانکی امکان پیدایش قبولی ثالث هست.

به هر روی، در نخستین بخش از این پژوهش، تلاش برای پاسخگویی به این پرسش است که در فرض تصریح به نام کسی به عنوان قبول‌کنندهٔ ثالث در سند چه تفاوتی خواهد داشت، با فرضی که ثالثی بدون پیش‌بینی طرفین سند نکول شده را می‌پذیرد. سپس، به این مسئله پرداخته می‌شود که آیا چهارچوب‌های سنتی حقوق مدنی پاسخگویی ارکان، شرایط و پیامدهای این عمل حقوقی است یا خیر و سرانجام با بررسی آثار قبولی از سوی ثالث به مسئلهٔ رجوع

۱. هرچند شاید امروزه برات به شکل کاغذی آن در دادوستد داخلی رواجی ندارد، هم‌چنان از سوی برخی از شرکت‌ها در فضای اینترنت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. به هر روی، با تصویب لایحهٔ نوین تجارت، بازگشت به قانون تجارت و بی‌وعده شدن چک، امید می‌رود که برات از متروک‌خانهٔ حقوق درآمده و دست‌کم به عنوان ابزاری برای کسب اعتبار به کارگرفته شود.

۲. البته در انگلستان، محال‌علیه چک به حتم باید بانک باشد وگرنه برات است؛ درحالی‌که قانون تجارت ما چنین چیزی را بایسته نمی‌داند؛ هرچند در عمل چک به طرف بانک صادر می‌شود.

3. Bigelow, *Op.cit.*, pp 50-51.

۴. اگر هم بانک تعهدی برابر دارنده داشته باشد، این تعهد برخاسته از توافق جداگانه‌ای میان صادرکننده و بانک است نه خود سند.

قبول کننده به مسئولان پرداخت، پس از پرداخت توجه خواهد شد. همه این واکاوی ها با نگاهی به کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو پیرامون برات و سفته، حقوق فرانسه و انگلستان انجام می پذیرد.

۱. معنا، مفاهیم همسان و گونه ها

قبولی یا دخالت^۱ ثالث در اسناد تجاری عمل حقوقی است که پیرو آن، شخص ثالثی در راستای معاف نمودن یکی از مسئولان سند با قبولی خود، طرفی از سند تجاری^۲ می شود. ^۳ به سخنی دیگر، قبولی برات یا چک از سوی ثالث، عملی است که این شخص را در صورت انجام نکول و واخواست، مکلف به پرداخت مبلغ سند در سررسید آن می نماید.^۴

قبولی ثالث در سند تجاری را باید از قبول تعهد از سوی ثالث در حقوق مدنی، قبولی ثالث در سفته و پرداخت از سوی شخص ثالث باز شناخت. قبولی ثالث در حقوق مدنی هنگامی مطرح می شود که کسی بدهی دیگری را برعهده گیرد که از دید حقوق ما، ضمان و حواله دو چهارچوب شناخته شده برای آن است. تفاوت شگرف قبولی ثالث در برات و چک با قبول ثالث مدنی این است که نخستین نقش آفرینی ثالث هنگامی مطرح است که برات گیر از پذیرش برات خودداری ورزیده باشد که در نتیجه برات گیر تعهدی از نظر سند تجاری ندارد، بلکه این تعهد ثالث است که اصالت دارد؛ درحالی که شرط پیدایش ضمان یا حواله کامل، بدهکاری مدیون اصلی و جابجایی یا ضم ذمه شخص ثالث (ضامن یا محال علیه) به وی است. قبولی ثالث بدین معنا در سفته نیز جریانی ندارد؛ زیرا در سفته، دخالت ثالث تنها در چهارچوب ضمانت از صادرکننده یا پشت نویس سند پنداشتنی است. در پرداخت از سوی ثالث نیز که از دید سرشت حقوقی، تفاوتی میان نوع

1. Intervention.

۲. خلاف تعریفی ارایه شده از سوی برخی از نویسندگان (Itriago, *Op. cit.*, p 939) بررسی سرشت حقوقی قبولی ثالث نشان می دهد که پرداخت کننده ثالث، طرفی از سند قابل انتقال به شمار نخواهد آمد.

۳. برخی (Megrah, M. Ryder, F.R. *Byles on Bills of Exchange: The Law of Bills of Exchange, Promissory Notes, Bank Notes and Cheques*, London: Sweet & Maxwell, 23th Edition, 1972, p 30) در فرض عدم پیش بینی نام شخصی در سند برای قبولی در صورت نکول، آن را به اختیار قبول سند از سوی کسی که طرفی نسبت به سند تجاری نیست، تعریف نموده اند.

4. Bussel, J.A., Maclachlan, D. *Chitty on Bills of Exchange, Promissory Notes, Cheques on Bankers, Bankers Cash Note and Bank Notes; with refernces to the Law of Scotland, France and Amerika*, 10th ed, London, 1889, p 237.

مدنی و تجاری آن نیست، دخالت ثالث نیازی به عمل حقوقی مقدم بر پرداخت، یعنی قبولی ندارد و حتی اگر پرداخت را ایقاعی بپنداریم، برآیند آن فروپاشی حق دارنده است؛ درحالی که نتیجه قبولی ثالث، ایجاد تعهدی نوین به سود دارنده خواهد بود.

پیرامون اشکال قبول برات و چک از سوی ثالث نیز باید گفت که مداخله شخصی غیر از متعهد اصلی سند (برات گیر یا محال علیه چک) برای پذیرش می تواند به دو گونه روی دهد.

قبولی ثالث پیش بینی شده (یا قبولی ثالث جانشین)^۱

گاه از همان آغاز و وابسته به نکول محال علیه، نام کسی به عنوان قبول کننده بر روی سند نوشته می شود. اینک پرسش این است که آیا شخص پیش بینی شده، برات گیر یا محال علیه جانشین (برات گیر دوم) است یا شخص ثالث؟ در این زمینه برخی از نویسندگان بی آنکه تحلیل ژرفی به دست دهند، گفته اند که در اینجا گو این است که برات دهنده دو نفر را به عنوان برات گیر تعیین کرده است^۲ که در صورت نکول یکی باید به دیگری مراجعه شود.^۳ با وجود این، نخست باید

1. Referee in case of need.

۲. این فرض را نباید باحالت برانگیران متعدد درهم آمیخت؛ چه اینکه تا پیش از نکول برات گیر، نخست، شخص جانشین سمتی برای پذیرش آن نداشته و با پذیرش برات از سوی برات گیر دیگر سمتی برای قبولی برات به عنوان قبول کننده برجای نمی ماند، مگر به عنوان ضمانت (Story, J. *Commentaries on the Law of Bills of Exchange: Foreign and Inland, as Administered in England and America, with Occasional Illustrations from the Commercial Law of the Nations of Continental Europe*, New Jersey: The Law book Exchange LTD, 2005, p 287). از سوی دیگر، حتی با پذیرفتن برات گیر، نخست، تا پیش از رجوع به چنین جانشینی، وی هنوز سمتی ندارد. همچنین، قبول کننده می تواند از سوی هر یک از مسئولان برات سند را بپذیرد؛ درحالی که برات گیر تنها به سود برات کش برات را می پذیرد، هر چند چندین برات گیر موجود باشد. درحالی که قبول کنندگان در عرض هم می توانند هر یک از سوی یکی از مسئولان برات آن را بپذیرند (De Leon, H.S. *United Nations Convention on International Bills of Exchange and International Promissory Notes*, New York: Published & distributed by Rex Book Store, 1988, p 381). در حقوق فرانسه و انگلوساکسن، با پذیرش برات از سوی برات گیر، فرض بر تأیید اصالت امضای برات کش است؛ درحالی که چنین انگاره ای در فرض امضای برات از سوی ثالث به عنوان پذیرنده وجود نخواهد داشت (Story, *Op.cit.*:289-291). ماده ۲۳۹ ق.ت. نیز گویای «حالت ترتیب» است؛ چه اینکه تا پیش از رجوع به برات گیر، شخص ثالث را توانایی پذیرش آن نخواهد بود. البته، اینکه ضمانت اجرای نقض این ترتیبی چیست، در ماده بالا چیزی نیامده است، ولی به دلیل نهی انجام عمل حقوقی قبولی ثالث، چنین عملی ارزش حقوقی به همراه نخواهد داشت. با این حال، پرسش دیگر این است که آیا مفاد این ماده تنها پیرامون حالتی است که از آغاز نام قبول کننده ثالث در سند تعیین نشده باشد یا در برگیرنده هر دو گونه است؟

۳. فخاری، امیرحسین، *اندیشه های حقوقی (۳): حقوق تجارت*، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۷۳؛ ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، جلد ۳، تهران: دادگستر، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۱، ص ۴۸.

به این پرسش برجسته پاسخ گفت که آیا ملاک بازشناسی برات‌گیر (محال‌علیه چک) از قبول‌کننده ثالث این است که برات‌گیر جانشین، طرفی از سند به شمار می‌آید؛ درحالی‌که قبول‌کننده، بیگانه‌ای است پیرامون آن یا اینکه ملاک چیز دیگری است؟ می‌توان گفت که ملاک تلقی شخص به عنوان ثالث این است که وی هنگام صدور برات و چک طرفی از روابط حقوقی برات و چک نباشد. این برداشت با این قید درست نیست؛ زیرا برات‌گیر (محال‌علیه) نیز تا پیش از پذیرش یا پرداخت هرگز رضایت خویش را به پذیرش مسئولیت یا درگیری در روابط حقوقی برخاسته از سند اعلام ننموده است و تفسیر بر پایه رضایت فرضی بر مبنای وجود رابطه حقوقی پیشین میان وی و صادرکننده (محل) با نکول وی رنگ خواهد باخت. همچنین، شاید گفته شود که در پیوند حقوقی میان دارنده و برات‌گیر، دارنده ناچار از پذیرش پیشنهاد برات‌گیر است؛ درحالی‌که در قبولی ثالث، دارنده می‌تواند پیشنهاد وی را نپذیرفته و حقوق خویش را در برابر دیگر مسئولان محفوظ دارد. از همین‌رو بود که هنگام تدوین کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو درباره برات و سفته، نماینده کشور هلند مخالف گنجاندن این حالت بود؛ زیرا چنین کسی (قبول‌کننده ثالث) پیشنهاد انجام کاری را می‌دهد که پیش از آن، دارنده سند (و به سخنی بهتر، صادرکننده) ناتوان از کسب رضایت برات‌گیر برای پذیرش آن بود. پس، چنین چیزی با وضعیت قبولی ثالث به عنوان برات‌گیر جانشین و فرعی برخوردار آسکار خواهد داشت. به سخنی رساتر، کسی که نامش به عنوان برات‌گیر در سند آورده می‌شود، پیشنهاد پذیرش یا پرداخت برات و چک را نمی‌دهد، بلکه دارنده سند ناگزیر به پذیرش چنین اعمالی است. باوجوداین، نماینده کشور ایتالیا^۱ در ناسازگاری با برداشت بالا ابراز داشت که دلیل تکلیف دارنده به کسب پذیرش قبول‌کننده ثالث این است که وی هنگام دریافت سند، از وجود یا همان پیش‌بینی ثالث، آگاهی داشته و این دخالت را پذیرفته است.^۲ همچنین، گفته شده که بازشناسی نهاد قبولی ثالث و قبولی برات‌گیر بر

۱. در ایتالیا تا پیش از تصویب قانون تجارت در سال ۱۸۶۵، پیرامون حالات پیدایش عمل قبولی ثالث، رویکرد قانون بازرگانی فرانسه دنبال و تنها به فرض قبولی ثالث پیش‌بینی نشده نگریسته شده بود. با این حال، در این سال و با تشکیل کارگروهی برای بازنگری در قانون، این کارگروه دو حالت موجود برای نقش‌آفرینی شخصی به غیر از برات‌گیر را چنین تفسیر نمود که اگر نام چنین کسی در برات برده نشده باشد، به راستی قبول‌کننده ثالث نام داشته و گرنه به عنوان برات‌گیر ثانوی شناخته خواهد شد (Itriago, *Op. cit.*:945).

۲. افزوده شده است که از دید سرشت حقوقی، قبول‌کننده ثالث را نمی‌توان برات‌گیر (محال‌علیه) ثانویه شمرد؛ زیرا برای نمونه، هنگامی که برات‌کش اقدام به صدور برات به طرف برات‌گیر می‌نماید، بر روی محل براتی که نزد او ←

پایه معیاری عملی است؛ به این معناکه منشأ دخالت ثالث در هر دو فرض مورد بررسی (ثالث پیش‌بینی شده یا نشده)، نکول برات‌گیر^۱ به عنوان مسئول اصلی و در راستای جلوگیری از بازگشت دارنده به دیگر مسئولان سند است. در حقیقت، تفاوت میان این دو گونه قبولی ثالث تنها در چگونگی ایجاد آنهاست که در یکی، دارنده به دلیل رضایت پیشین خود، پایبند به پذیرش پیشنهاد ثالث است و در دیگری به دلیل نبود چنین رضایتی، اختیار نپذیرفتن آن را دارد. با این حال، پس از پذیرش، پیامدهای هر دو قبولی یکسان است.^۲ در تکمیل این دیدگاه می‌توان گفت که شرایط قانونی برات و چک نشان می‌دهد که گنجانیدن و وجود حقیقی برات‌گیر موضوعی است شکلی؛ یعنی همین که ظاهر سند گویای شرایط شکلی باشد، کفایت دارد که به دنبال آن، نهادی نوین به نام برات و چک پدیدار شود، هرچند برات‌گیر برات را نپذیرد. از این روی، مگر صادرکننده، دارنده و برات‌گیر، شخصی به عنوان برات‌گیر ثانوی در برات یا چک ناشناخته است. یعنی تا پیش از نکول وی سمتی در سند نخواهد داشت،^۳ خواه نام ثالث از پیش در سند

→ دارد، حساب می‌نماید. پس اگر برات‌گیر سند را بپذیرد بر پایه همان سند در برابر برات‌کش پاسخگوست؛ درحالی‌که اگر برات‌کش یا مسئول دیگری از برات در راستای پذیرش پس از نکول برات‌گیر، نام کسی را از پیش به عنوان ثالث بنویسد، چنین عملی را بر پایه طلب پیشین خود از ثالث انجام نداده، بلکه به امید پذیرش برات از سوی چنین کسی و گریز از پیامدهای نکول برات این‌گونه رفتار می‌نماید. در این حالت، اگر ثالث اقدام به پذیرش سند نماید، برات‌کش حقیقی نسبت به وی بر اساس سند ندارد، بلکه چنین حقیقی تنها برای ایادی پس از ذی‌فع این دخالت است؛ زیرا میان کسی که نام ثالث را در سند قرار می‌دهد و ثالث، رابطه پیشاپیشی موجود نیست تا بر پایه آن بتواند به ثالث رجوع نماید» (Ibid, p 946). این برداشت چندان روشن نیست؛ چه اینکه اگر منظور این باشد که میان برات‌کش و برات‌گیر فرض وجود محل است که این پنداشت تنها با قبول برات‌گیر پدیدار خواهد شد. افزون بر این، این برداشت، تنها پیرامون وضعیت قبول‌کننده پیش‌بینی شده قابل ارائه است. وانگهی، معنای رجوع برات‌کش به برات‌گیر بر اساس سند پس از قبولی برات از سوی وی، اگر به معنای همان اماره بر بدهکاری نباشد، روشن نیست؛ زیرا برات‌کش بر پایه سند حقیقی در برابر برات‌گیری که برات را نمی‌پردازد، نخواهد داشت (Ibid, pp 945-946).

۱. تا پیش از نکول، دخالت شخص به عنوانی غیر از برات‌گیر می‌تواند ضمانت شمرده شود.

2. Ibid, pp 946-947.

۳. اگر کسی پس از نکول و پیش از واخواست، سند را بپذیرد، این پذیرش را باید بی‌اعتبار دانست یا عنوان دیگری جز قبولی ثالث برای آن یافت. در فرانسه این عمل به مانند ضمانت دانسته نشده است (Bussel, J.A., Maclachlan, D. *Chitty on Bills of Exchange, Promissory Notes, Cheques on Bankers, Bankers Cash Note and Bank Notes; with references to the Law of Scotland, France and Amerika*, 10th ed, London, 1889, p 238). از دید تحلیل حقوقی، اگرچه دستور به انجام کاری می‌تواند گویای منع از انجام ضد آن باشد که در این صورت، اگر عمل به عنوان قبولی ثالث انجام شده باید آن را بی‌اعتبار شمرد، ولی تلقی آن به عنوان ضمانت به لحاظ افزایش اعتبار سند حتی با وجود نکول از سوی برات‌گیر دیدگاهی نیرومندتر است.

گنجانده شده باشد یا نه. جدای از اینها، پرداخت از سوی برات‌گیر به زندگانی سند پایان می‌دهد؛ درحالی‌که پرداخت از سوی ثالث به وی حق بازگشت به دیگر مسئولان را می‌دهد. در برابر، از دید سرشت حقوقی عمل پدیدآورنده برات یا چک، تعهد برات‌گیر تعهدی است به زیان ثالث که ممکن است با نکول وی پذیرفته نشود.

پرسش دیگر این است که چه کسانی می‌توانند نام کسی را به عنوان قبول‌کننده ثالث در برات بگنجانند؟ در این زمینه، در حقوق انگلستان این امکان تنها برای صادرکننده و پشت‌نویس وجود دارد؛ درحالی‌که در حقوق فرانسه، افزون بر این دو، ضامن را نیز چنین توانایی است.^۱ از این‌روی، در حقوق انگلستان، چنانچه برات‌گیر از پذیرش برات خودداری ورزد، دارنده می‌تواند به ثالث جانشین مراجعه کند که اگر چنین نکند، حقوق کامل ناشی از سند تجاری خویش را حفظ خواهد کرد. در برابر، در حقوق فرانسه، پیرو ماده یادشده، پذیرش برات از سوی دارنده به مانند پذیرش این شرط است که در صورت عدم پذیرش برات از سوی برات‌گیر، برات را به قبولی ثالث جانشین برساند و هرگاه ثالث جانشین از پذیرش خودداری ورزد، این رفتار باید مورد واخواست دارنده، به همان صورتی قرار گیرد که پیرامون اعتراض نکول مقرر است و گرنه دارنده حق مراجعه بی‌درنگ به مسئولان برات را نخواهد داشت.^۲

در حقوق ایران، رژیم ویژه‌ای برای این‌گونه پذیرش پیش‌بینی نشده و اگرچه از دید قواعد عمومی مانعی نیست، به‌طورخاص نیز از عموم دومین بند از بخش دوم ماده ۲۹۳ ق.ت. می‌توان این‌گونه برداشت کرد که هر کسی را می‌تواند به عنوان جانشین برات‌گیر، در صورت نکول وی، برای قبولی برات تعیین نمود. اکنون، چه کسی از مسئولین برات یا چک می‌تواند در سند، شخص ثالث جانشینی پیش‌بینی کند؟ در حقوق ایران، ماده ۲۳۹ ق.ت. پیرامون این پرسش خاموش است، اگرچه درجایی که نام ثالث از پیش در سند گنجانده نمی‌شود، هرکس می‌تواند پیشنهاد پذیرش سند نکول شده را دهد؛ هرچند این پیشنهاد به دلیل درخواست یکی از مسئولان برات باشد، ولی پیرامون حالتی که از پیش نام کسی به عنوان قبول‌کننده در سند گنجانده می‌شود، باید دو مسئله را در نظر داشت:

۱. زین پس، ق.ب.ف؛ ماده ۶۵ - ۵۱۱ ال قانون بازرگانی فرانسه.

۲. اسکینی، ربیعا، پیشین(ب)، صص ۷۸-۷۷.

نخستین مسئله این است که هرچند هنگام صدور برات یا چک، صادرکننده‌ای که در فرایند ایجاد سند است، می‌تواند هرگونه مفادی را در آن بگنجانند - با هر ضمانت‌اجرای پنداشتنی برای آن - تصرف دارنده و ضامن در آن نیازمند وجود اختیار انجام تغییر است. اکنون اگر دارنده یا ضامن نام کسی را به عنوان ثالث در سند بگنجانند، آیا صادرکننده می‌تواند به دلیل تغییر در مندرجات در سند از سوی دستان پس از خود، در فرض پرداخت مبلغ از سوی قبول‌کننده ثالث و رجوع وی، به تغییر در مفاد سند بدون رضایت دسته‌جسته، مدعی عدم مسئولیت شود؟

پیرامون مسئله نخست، بی‌گمان باید پذیرفت که دارنده به دلیل بهره‌بری از امتیازهای برخاسته از حق دارندگی خود، همان‌گونه که می‌تواند به زندگانی سند پایان دهد، می‌تواند دگرگونی‌هایی نیز در مفاد آن بیافریند؛ مبلغ را فزونی یا کاهش دهد، نام محال‌علیه را دگرگون نماید یا نام کسی را به عنوان قبول‌کننده ثالث بیافزاید. در برابر و خلاف حقوق فرانسه، ضامن مگر برای گنجاندن امضا و نام ضمانت‌شونده، اختیاری بر سند ندارد. ولی اگر چنین کند، چون دارندگان پسین از ظاهر سند آگاه‌اند، دگرگونی انجام‌گرفته درباره آنها کارساز خواهد بود. باوجوداین، اگرچه فرض این است که چنین ثالثی از سوی ضامن برات را پرداخت می‌کند، ولی ضامن نمی‌تواند مسئولان پیش از وقوع تغییر در سند را با افزودن مفاد تازه‌ای نسبت بدین مفاد تازه پایبند نماید. از این‌رو، چنانچه ثالث اقدام به پرداخت نماید، حق بازگشت به مسئولان پیش از ضامن را نخواهد داشت.^۱ در صورتی که دارنده پس از نکول برات‌گیر به ثالث جانشین رجوع نکند، درست همچون فرض عدم پذیرش پیشنهاد ثالث در حالت پیشین خواهد بود. با این حال، حکم ماده ۲۳۹ ق.ت. می‌تواند گویای اختیار ثالث برای پیوستن به جرگه مسئولان برات^۲ یا اختیار دارنده بر پذیرش یا عدم پذیرش پیشنهاد ثالث باشد. حتی اگر فرض دوم پذیرفته شود، این قانون برخلاف قانون بازرگانی فرانسه چیزی درباره پیامد خودداری دارنده از پذیرش این پیشنهاد

۱. قانون تجارت ایران پیرامون دگرگونی صریح یا ضمنی در مفاد سند خاموش است؛ درحالی‌که پاراگراف ۶۴ قانون بروات انگلستان (زین پس، ق.ب.ا.)، دگرگونی ضمنی را به مانند عدم دگرگونی دانسته است. جالب اینکه لایحه بازنگاری قانون تجارت مصوب ۱۳۹۰ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی نیز از اساس پیرامون مسئله دگرگونی در مفاد سند خاموش است. هرچند از ماده ۷۰۷ می‌توان به بی‌اعتباری دگرگونی انجام شده پی برد؛ خواه این دگرگونی آشکار باشد یا نباشد.

۲. میری، حمید، سیروس شهریاری و مصطفی عابدین‌پور، بررسی تحلیلی برخی از جنبه‌های حقوقی برات از دریچه لایحه نوین تجارت، پژوهش‌های حقوقی، سال شانزدهم، ۱۳۹۶، ص ۲۲۹.

ندارد. هرچند به لحاظ پیامدها و نیز سرشت حقوقی عمل قبولی ثالث، این خودداری بر حقوق دارنده تأثیری نخواهد گذاشت.^۱

۱.۱. قبول ثالث پیش‌بینی نشده (یا مداخله ثالث)^۲

گاه، بی‌آنکه از پیش تدبیری شود، «کسی که طرفی نسبت به سند به شمار نمی‌آید»^۳ پیشنهاد پذیرش سند را مطرح می‌نماید.^۴ در کنوانسیون یکنواخت ژنو پیرامون بروات و سفته‌ها (ژنو ۱۹۳۰) به هر دو حالت اشاره شده، درحالی‌که در کنوانسیون آنسیتراپ پیرامون بروات و سفته‌های بین‌المللی (نیویورک ۱۹۸۸) چیزی دربارهٔ این نهاد نیامده است. قانون بازرگانی مصوب ۱۸۰۷ فرانسه نیز تنها به گونهٔ دوم اشاره داشت که چنین چیزی سبب پیدایش ابهام‌هایی شده بود.^۵ تا اینکه در بازنگری‌های اساسی انجام شده در این قانون به هر دو فرض اشاره شد. در حقوق ما، ماده ۲۳۹ ق.ت. تنها به فرض دوم نگریسته است.

دخالت ثالث و پذیرش او باید پس از اعتراض نکول باشد. این شرط در ماده ۶۶-۵۱۱ ال ق.ب.ف. و همچنین پاراگراف ۶۵ ق.ب.ا. آمده است. برخلاف حقوق فرانسه و انگلستان، قبولی شخص ثالث باید در واخواست گنجانده و به امضای او برسد.^۶ این نکته خلاف اصل پذیرفته‌شده در مورد قبولی برات‌گیر و انجام ظهرنویسی است که پیدایش تعهد براتی وابسته به امضا در خود سند است. دلیل این دستور استثنایی قانون‌گذار این است که نکول برات یا چک با تنظیم واخواست محرز می‌شود. پذیرش به‌عنوان شخص ثالث باید آشکارا در سند قید شود؛ زیرا چنانچه شخص ثالث تنها برات را امضا کند، ممکن است به عنوان ضامن یا ظهرنویس مسئول شناخته

۱. نک: همان، صص ۲۲۹-۲۳۱.

2. Intervener.

۳. پیش‌تر دیدیم که پیرامون برات‌گیر واژگان «طرفی نسبت به سند» چندان درست نیست، بلکه بهتر آن است گفته شود که «طرف ظاهری نسبت به سند».

4. Itriago, *Op. cit.*, p 939.

5. *Ibid.*, pp 943-945.

۶. ضروری نبودن گنجاندن قبولی ثالث در برات هم در عمل مشکل‌آفرین است و هم با سرشت حقوقی قبولی ناسازگاری دارد. از همین روست که این امر در ماده ۷۱۷ ل.ن.ت. دیده نمی‌شود (عبدی‌پور فرد، ابراهیم، **حقوق تجارت**، جلد ۱، تهران: مجد، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸).

شود و اگر خود برات‌گیر باشد، امضای او قبولی به‌شمار آمده و دیگر شانس برای مداخله ثالث بر جای نمی‌ماند.^۱

۱.۱.۱. اثر مداخله ثالث بر حق رجوع دارنده برات نکول شده

قانون تجارت در ماده ۲۳۹ می‌گوید که قبولی ثالث باید به نام صادرکننده یا یکی از ظهرنویس‌ها باشد، ولی ضمانت‌اجرایی برای عدم تعیین منتفع از این دخالت دربر ندارد. در جایگاه بررسی این امر، باید گفت که در فرض پیش‌بینی نام قبول‌کننده در سند، فرض بر این است که این عمل به سود گنجاننده در سند انجام می‌شود، ولی در فرض پیش‌بینی نشدن، برخی از قوانین و اسناد بین‌المللی راهکار به دست داده‌اند، همچنان‌که پیرو ماده ۵۱۱-۶۶ ال.ق.ب.ف. قبولی ثالث به سود صادرکننده قلمداد می‌شود. همچنین است، در حقوق انگلیس، پیرو پاراگراف ۶۵ ق.ب.ا. و نیز ماده ۵۷ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو. سودمندی تعیین منتفع این دید است که در صورت قبول ثالث، دارنده پیش از فرارسیدن هنگام پرداخت، حق رجوع به مسئولی را که دخالت به سود او انجام گرفته است، نخواهد داشت. در حقوق ایران، دکترین حقوقی همین راهکار را پذیرا بوده^۲ و در فرض خاموشی، پذیرش را از سوی صادرکننده به شمار آورده است.^۳

۱.۱.۲. رضایت منتفع از پذیرش ثالث

ماده ۵۱۱-۶۵ ال.ق.ب.ف. به ثالث مداخله‌گر دو روز مهلت داده است که نقش‌آفرینی خود را به آگاهی ذی‌نفع مداخله برساند و گرنه در برابر وی نسبت به زیان‌های رفته در نتیجه این کوتاهی پاسخگو خواهد بود. رویکرد همسان را در ماده ۵۵ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو و نیز حقوق آنگلو ساکسون می‌توان دید.^۴ ولی، در قانون تجارت ایران چیزی دیده نمی‌شود.

هم‌چنان‌که گفته شد، در قانون تجارت ما چنین ضرورتی برای قبول‌کننده ثالث نیست، ولی از دید سرشت حقوق قبولی، اگر آن را به مانند تعهد به زیان شخص دیگر یا ضمانت (منتفع از نقش‌آفرینی ثالث) بدانیم - چون ثالث پس از پرداخت به وی حق مراجعه دارد - بی‌گمان نیاز به

۱. ستوده تهرانی، حسن، پیشین؛ اخلاقی، بهروز، *اسناد تجاری: تقریرات*، تهران: دانشکده حقوق و علوم-سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۰۷.
 ۲. ماده ۷۱۸ ل.ن.ت. آشکارا این برآیند را شناسایی نموده است.
 ۳. نک. میری، حمید و همکاران، پیشین، صص ۲۲۹-۲۳۰.

4. Story, *Op.cit*, p 287.

رضایت منتفع خواهد بود. در برابر، اگر این دخالت را به مانند انتقال طلب و به دنبال آن، جانشینی ثالث بدانیم، نیازی به رضایت منتفع نیست. البته، درحالی که نام ثالث پیشاپیش در سند گنجانده می شود، رضایت منتفع که بر فرض همان شخص گنجانده نام وی در برات است، وجود دارد، ولی در فرضی که ثالث، خودش پیشنهاد پذیرش سند را به دارنده می دهد، برای درستی عمل، نیازی به رضایت منتفع نیست؛ زیرا از یک سوی، بازگشت ثالث پس از قبولی و پرداخت بر پایه حکم قانون گذار و ذات برات است، نه رضایت منتفع و از سوی دیگر، عدم رضایت وی تأثیری بر حق ثالث ندارد، همچنان که در حقوق فرانسه، آگاهی منتفع شرط پذیرش قبولی نیست و حتی با عدم رضایت، از مسئولیت در برابر ثالث رها نشده، تنها در صورت احراز ارکان مسئولیت مدنی امکان مسئولیت ثالث در برابر وی وجود دارد که این پاسخگویی از دید عدم پرداخت دوباره وجه برات به دارنده است؛ چه اینکه با پذیرش ثالث، دارنده تا پیش از پرداخت، حق بازگشت به منتفعان از این عمل را نخواهد داشت.^۱

۱.۱.۳. رضایت دارنده برات به مداخله ثالث

شاید گفته شود که در فرض درج نام ثالث از سوی یکی از مسئولان سند، دیگر نیازی به رضایت دارنده نیست؛ زیرا دارنده با آگاهی از وجود نام، سند را می پذیرد.^۲ در حقیقت، چنین پنداشته می شود که دارنده، پیشنهاد احتمالی ثالث را پذیرفته، با ایجاب ثالث، قبولی وی پدیدار می گردد. این پنداشت را باید از اندیشه دور ساخت؛ زیرا از یک سوی، اعمال حقوقی آفریننده آثار ویژه سند تجاری باید در خود سند یا در استثنائاتی قانونی چون واخواست نامه انجام گیرد^۳ و از سویی، با استصحاب حق دارنده و در فرض عدم پیش بینی ضمانت اجرایی از سوی قانون گذار، نمی توان به زوال حق مراجعه وی به مسئولان برات که شامل ذی نفع احتمالی قبولی ثالث نیز

۱. چون در حقوق ما نیازی به گنجاندن قبولی ثالث بر روی سند نیست، پس از قبولی و تا پیش از پرداخت، اگر دارنده به دیگر مسئولان رجوع نماید، می توان به مسئولیت دارنده باور نمود. پس از پرداخت نیز چون دارنده باید برات و واخواست را به ثالث دهد، در فرض رجوع دوباره دارنده به منتفع، دیگر مجالی برای تصور کوتاهی قبول کننده ثالث برجای نمی ماند.

۲. فخاری، امیر حسین، پیشین، ص ۷۴.

۳. تا پیش از تصویب قانون بروات انگلستان در سال ۱۸۸۲ که گنجاندن قبولی ثالث را در سند بایسته می دانست (بند الف پاراگراف سوم بخش ۶۵)، نویسندگان حقوقی این کشور (Bussel and Maclachlan, *Op.cit*, p 239) در راستای احراز قبولی ثالث به ادله اثبات دعوا همچون تنظیم سند رسمی در حضور گواهانی دست می جستند.

می‌شود، باور نمود. از همین روست که پیرو بخش ۱۵ ق.ب.ا. حتی آگه نام ثالث از پیش تعیین شده باشد، دارنده تکلیفی به استفاده از آن ندارد.

با این توضیحات، ناگفته روشن است که در حالت دوم برای قبولی شخص ثالث رضایت دارنده لازم است؛ همچنان که در ماده ۵۶ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو و نیز در ماده ۶۶-۵۱۱ ال ق.ب.ف. بدان تصریح شده و در حقوق ایران نیز هم بر پایه تحلیل حقوقی^۱ و هم ظاهر ماده ۲۳۷ ق.ت به همین باور می‌توان رسید؛ زیرا در پایان این ماده آمده است: «قبولی شخص ثالث باید در اعتراض‌نامه قید شده و به امضای او برسد» و روشن است که تنظیم اعتراض‌نامه از وظایف دارنده بوده و دسترسی ثالث به اعتراض‌نامه نشان از رضایت دارنده به نقش‌آفرینی وی در سند دارد.

۲. سرشت حقوقی

آنچه تا اینجا گفته شد، مقدمات پرداختن به گفتار برجسته‌تری پیرامون سرشت حقوقی قبولی ثالث در اسناد تجاری است.

۲.۱. چهارچوب‌های حقوق مدنی

در راستای سرشت‌شناسی حقوقی قبولی ثالث بر پایه چهارچوب‌های سنتی، از نهاد تعهد به سود ثالث، ضمانت و نمایندگی می‌توان بهره برد.

۲.۱.۱. تعهد به سود ثالث

بر پایه تعریفی که از نهاد قبولی ثالث به میان آمد، می‌توان گفت که در هر دو فرض پنداشتنی آن، تعهدی به سود ثالثی پدیدار می‌شود؛ به این معنا که با پذیرش دخالت قبول‌کننده از سوی دارنده سند، تعهدی به سود ذی‌نفع این قبولی پدید می‌آورد. البته، شاید گفته شود که در فرض ذکر نام شخصی به عنوان قبول‌کننده ثالث از سوی یکی از مسئولان سند، ذی‌نفع ثالث، دارنده سند است؛ زیرا گنجانیدن نام کسی در برات و چک، با فرض وجود اختیار از طرف وی، گویای توافقی مشروط میان این دو به سود دارنده سند است که اثرگذاری این توافق وابسته به نکول و پذیرش دخالت ثالث از سوی دارنده است؛ درحالی که این برداشت درست نیست؛ زیرا دیدیم که تا پیش از پذیرش دارنده، قبولی ثالث پدیدار نخواهد شد؛ حتی اگر نام ثالث در سند

۱. میری، حمید و همکاران، پیشین، صص ۲۲۹-۲۳۰؛ اسکینی، ربیعا، پیشین(ب)، ص ۷۴.

گنجانده شده باشد، افزون بر اینکه پس از پذیرش دارنده، شخص ثالث نسبت به این پذیرش دارنده، شخص منتفع از قبولی است نه دارنده سند.

با وجود این، بررسی سرشت عمل قبولی ثالث بر پایه نهاد تعهد به سود ثالث درمی‌گشاید؛ زیرا مسئله شناسایی سرشت حقوقی قبولی ثالث به بررسی مسئله دیگری یعنی، ماهیت تعهد به سود شخص ثالث منتهی می‌شود که پیرامون این امر دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد:

بر پایه دیدگاهی، سرشت حقوقی این عمل را باید بر مبنای پیدایش دو قرارداد توجیه کرد: قرارداد نخست، توافق پدیدآورنده ایجابی به سود ذی‌نفع ثالث است و پیمان دوم، قراردادی است که با پذیرش ثالث رخ می‌دهد؛^۱ با این توضیح که در قرارداد اصلی، در آغاز، تعهد به سود مدیون پدیدار گشته، سپس وی انتقال این طلب را به ثالث پیشنهاد می‌دهد. چنانچه ثالث این ایجاب را بپذیرد، حقی به سود ثالث پدیدار خواهد شد.^۲ پیرو این دیدگاه، در هر دو فرض برای دخالت شخص ثالث برای قبولی سند،^۳ در نخستین گام، پیمانی میان قبول‌کننده ثالث و دارنده سند پدیدار گشته که ذی‌نفع آن منتفع از قبولی ثالث است. بازگشت ثالث پس از پرداخت به ذی‌نفع نیز بر پایه توافق میان وی و طرفین پیمان نخست است. این نظریه ایرادات مربوط به تجاوز اثر قرارداد به دیگران را از میان می‌برد. با چشم‌پوشی از بیشتر ایرادهای گرفته شده بر این دیدگاه که به پیامدهای عملی نامطلوب آن می‌نگرند،^۴ بر آن چنین می‌توان تاخت^۵ که در حقوق ایران،

۱. کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۳، صص ۳۸۷-۳۸۶.

۲. همان.

۳. اگر دارنده را ذی‌نفع ثالث بدانیم، در حالتی که نام ثالث پیشاپیش در سند گنجانده شده است، پیمان نخست میان ثالث و کسی که مداخله‌کننده از سوی وی می‌پردازد برای پیدایش تعهدی به سود دارنده به عنوان ذی‌نفع ثالث رخ داده و سپس، با پذیرش دخالت چنین کسی از سوی دارنده، قرارداد دیگری پدید می‌آید. در این فرض، رضایت به پیدایش قرارداد دوم به طور پیشاپیش داده شده است؛ زیرا با گنجاندن نام مداخله‌کننده در برات، دارنده آگاه بدان شمرده می‌شود و به‌سختی دیگر، وی با آگاهی از وجود قبول‌کننده برات را می‌پذیرد. ممکن است، خرده گرفته شود که هنگام صدور سند، هنوز دارندگان آینده پیدا نیستند، پس چگونه می‌توان به سود کسی تعهد نمود که هنوز روشن نیست؟ در پاسخ باید گفت که تعهد، رابطه‌ای اعتباری است. طرفین رابطه هم می‌توانند شخص حقیقی یا اعتباری باشند. در این مورد متعهدله یک عنوان کلی و اعتباری و هرکسی است که دارنده برگه تجاری شود (عبدی‌پورفرد، ابراهیم، پیشین، ص ۵۵).

۴. کاتوزیان، ناصر، پیشین، صص ۳۸۹-۳۸۷.

۵. محمدی، سام، *ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث*، فصلنامه حقوق ۱، دوره ۳۹، ۱۳۸۸: ۲۷۶.

نصی درباره ضرورت پذیرش پیشنهاد یا جلب رضایت ذی‌نفع ثالث دیده نمی‌شود تا پیدایش قراردادی را بر پایه آن توجیه کرد. از سوی دیگر، توجیه قرارداد دوم بر پایه وجود آگاهی فرضی ذی‌نفع پندار نادرستی بیش نیست که بدینسان با پدید نیامدن یکی از قراردادهای مبنای این تئوری باید از کاربست آن دست شست.

تئوری دیگر، بهره‌گیری از اداره فضولی مال دیگری است با این بیان که مشروطه با تحصیل تعهد به سود منتفع، به عنوان مدیر فضولی وی رفتار کرده و به راستی، اگرچه در این کار وکالت ندارد، ولی همین که منتفع عمل فضول را تنفیذ کرد، در حکم نماینده او خواهد شد.^۱ قبول‌کننده ثالث نیز با ارائه پیشنهاد قبولی سند به دارنده آن، منافع منتفع از دخالت خویش را به صورت فضولی اداره می‌نماید. در حقیقت، از دید تاریخی این تئوری، نخستین دیدگاه ارائه شده در آغاز پیدایش این نهاد در قرن پانزدهم بوده است^۲ و در فرانسه نیز برخی از نویسندگان حقوقی این کشور^۳ در فرض عدم تصریح به نام ثالث در برات، از این تئوری بهره جسته و در حقوق ما نیز برخی از نویسندگان^۴ بدان روی آورده‌اند. با چشم‌پوشی از دیگر ایرادات وارد بر این تئوری، یکی از روشن‌ترین پیامدهای آن، امکان رجوع فضول پس از پرداخت به مالک (مسئول) است. پس، اگرچه در قانون تجارت حکمی درباره امکان بازگشت قبول‌کننده پس از پرداخت نیامده است.^۵ ولی بر پایه این تئوری می‌توان به آسانی به امکان رجوع وی به منتفع از این دخالت و مسئولان پیش از وی باور کرد همچنان که برخی از نویسندگان^۶ به ناچاری برای توجیه این امکان چنین کرده‌اند. توجیه سرشت حقوقی قبولی ثالث در این چهارچوب از این دید تقویت شود که بسیاری از نکوهش‌های رفته بر توجیه سرشت حقوقی تعهد به سود ثالث بر پایه این تئوری،^۷ پیرامون قبولی ثالث در برات جایی نخواهند داشت؛ چه اینکه مدیر فضولی (یعنی قبول‌کننده

۱. کاتوزیان، پیشین، ص ۳۴۰.

2. Itriago *Op.cit*, p 940.

3. Dalloz, Ripertoire Pratique de Legislation, de Doctrine et de Juris-Prudence: Letter de Change 185, § 354 (Paris, 1915) cited in *Ibid*, p 944.

۴. صقری، محمد، پیشین، صص ۲۳۹-۲۴۰.

۵. برخی دیگر از نویسندگان (فخاری، امیر حسین، پیشین، ص ۷۵) با قیاس با نهاد «پرداخت از سوی شخص ثالث» به وجود چنین حقی باور نموده‌اند.

۶. صقری، محمد، پیشین.

۷. کاتوزیان، ناصر، پیشین، صص ۳۹۳-۳۹۷.

ثالث) نسبت به قراردادی که می‌بندد، بیگانه است و حق فسخ آن را نخواهد داشت و از سویی، ذی‌نفع ثالث نیز در هر حال نسبت به این قبولی ملتزم است و حق ردّ این نمایندگی فضولی را نخواهد داشت. پس، قبول‌کننده در هر حال می‌تواند پس از پرداخت مبلغ سند برای بازپرداخت به نزد منتفع از این قبولی رود. با وجود این، اگرچه می‌توان در فرض عدم پیش‌بینی ثالث در سند پذیرفت که این شخص با ارائه پیشنهاد قبولی برات به دارنده، نسبت به اداره مال دیگری یعنی ذی‌نفع ثالث اقدام می‌کند، ولی در حالت پیش‌بینی، چون ذی‌نفع خود گنجاننده نام ثالث در سند بوده است، عمل فضولی روی نخواهد داد تا بتوان آن را بر پایه این تئوری توجیه نمود.

سرشت حقوقی تعهد به سود ثالث را بر مبنای ایقاع نیز می‌توان توجیه نمود، یعنی بی‌آنکه اراده ذی‌نفع اثری در پیدایش تعهد داشته باشد، به صرف ابراز اراده متعهد، تعهد پدید خواهد آمد. بدینسان و برای نمونه، در قبولی برات از سوی ثالث، به صرف پذیرش برات از سوی وی، تعهد به سود ذی‌نفع شکل می‌گیرد، بی‌آنکه نیازی به وجود اراده شخص دیگری باشد. به راستی که بهره‌گیری از این تئوری، اندیشه‌ای است که از آن برای توجیه دیگر اعمال ناظر بر سند تجاری نیز بهره گرفته شده است؛ زیرا به باور بنیان‌گذار این دیدگاه، کسی که سند تجاری صادر می‌کند، قرارداد نمی‌بندد، بلکه در برابر همگان به طور یک‌طرفه تعهد به پرداخت موضوع برات می‌نماید.^۱ بر بنیان نظریه ایقاع، نکوهش بسیار رفته که برجسته‌ترین آنها این است که مشهور حقوقی^۲ و برخلاف دیدگاه برخی از نویسندگان^۳ بر این باور است که ایقاع در حقوق ایران منبع تعهد نیست.^۴ البته، می‌توان چنین پاسخ گفت که هرچند ایقاع نمی‌تواند سرچشمه عامی برای پیدایش تعهد باشد، در موارد ویژه و احصاء‌شده‌ای از سوی قانون‌دارای چنین اثری است. برای نمونه، در

۱. شیوا رضوی، کاظم، *مطالعه تطبیقی گردش چک در حقوق ایران با توجه به قوانین*، تهران: گیلان، ۱۳۴۸، صص ۴۲-۴۳؛ ربیهر، ج. روبلور، *المطول فی القانون التجاری*، جلد ۲: الأسناد التجاریه المصارف والبورصات العقود التجاریه الأصول الجماعیه، ترجمه: علی مقلد، بیروت: المؤسسة الجامعیه للدراسات و النشر، ۲۰۰۸، ص ۱۹۷؛ عبدی‌پور فرد، ابراهیم، پیشین، ص ۵۱؛ میری حمید، و همکاران، پیشین، صص ۲۹۶-۲۹۵.

۲. شهیدی، مهدی، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۰، ص ۸۴.

۳. جعفری‌لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق تعهدات*، تهران: گنج‌دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۹، ص ۱۶۸.

۴. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی ایقاع*، تهران: میزان، چاپ ششم، ۱۳۹۳، ص ۸۰؛ صفایی، حسین، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد ۲، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۲، ص ۲۲.

حیازت مباحات، وصیت تملیکی و جعاله- اگر قائل به ایقاع بودن این دو باشیم^۱- اراده حیازت‌کننده، موصی و جاعل سرچشمه پیدایش تعهد است. بنابراین، در قبولی ثالث نیز این اراده از دریچه تجویز قانون‌گذار مؤثر خواهد بود. با وجود این، به نظر می‌رسد که این تئوری واقعیات را نادیده می‌گیرد؛ زیرا چه درحالی که نام قبول‌کننده ثالث از پیش در سند گنجانده شده یا نشده باشد، در پیدایش قبولی برات یا چک از سوی دیگری، رضایت دست‌کم یک طرف لازم است. هنگامی که گردهم آمدن این دو رضایت می‌تواند دربردارنده همه ارکان قرارداد باشد، چرا جایگاه رضایت دیگر، نادیده یا در اندازه فروتری از پیشنهاد قبول‌کننده در نظر گرفته می‌شود؟^۲

در برداشتی دیگر می‌توان گفت، در راستای شناخت سرشت حقوقی تعهد به سود ثالث نیازی به درگیر شدن در گروهی از روابط حقوقی پیچیده یا نادیده گرفتن بخشی از این روابط نیست، بلکه تعهد پدید آمده به سود ثالث، اثر مستقیم یک قرارداد است.^۳ به دیگر سخن، دو شخص توافق می‌نمایند که اثر مستقیم آن پیدایش حقی به سود شخص ثالث باشد. از این روی، در قبولی ثالث در سند تجاری، قرارداد منشأ تعهد، همان توافق میان قبول‌کننده ثالث و دارنده سند است که پیامد مستقیم این پیمان، پیدایش تعهدی به سود مسئول منتفع از دخالت ثالث است. خوبی این دیدگاه نسبت به تئوری پیشین این است که تلاش دارد برای اراده‌های موجود، ارزشی

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق تعهدات*، تهران: گنج‌دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۹، صص ۶-۶۶.
 ۲. راست است که ایقاع یکی از تئوری‌های حاکم بر توجیه سرشت حقوقی برات است. این نظریه در اسناد تجاری بر فرضیه معروف دانشمند آلمانی به نام اینرت (Einert) استوار گردیده است (رک. صقری، محمد، پیشین، ص ۶۰). نظریه تعهد یکسویه در برات به رغم همه زیبایی‌هایی که دارد، مصون از ایراد نیست؛ زیرا اگر این دیدگاه پذیرفته شود، باید گفت که اراده‌ای پذیرفتنی است که مصون از عیوب اراده باشد. پس، صادرکننده باید بتواند در صورت وجود عیبی در اراده‌اش که مایه بطلان برات باشد، این ایراد را در برابر دارندگان پسین برات نیز عنوان کند. روشن است که اصل عدم امکان استناد به ایرادات از سوی صادرکننده در برابر دارندگان بعدی برات، مانع بزرگی برای پذیرش تئوری تعهد یکسویه است (اسکینی، ربیعا، پیشین (ب)، صص ۲۶-۲۷؛ طاهری، سهیل، *تضامن در اسناد تجاری*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶، ص ۴۹). با وجود این، چنین نكوهشی پذیرفتنی نیست؛ زیرا استناد به عدم اهلیت، یکی از استثنائات شناخته شده بر اصل عدم توجه به ایرادات است که در این راستا تفاوتی نیست، میان اینکه عمل صدور برات را در چهارچوب قرارداد بررسی کنیم یا ایقاع. آری، اگر این‌گونه گفته شود که چنانچه تعهد تنها با خواست برات‌کش پدید آید، وجود کاستی در اراده وی باید به بی‌اعتباری سند بینجامد، باید اینگونه پاسخ داد که سند تجاری پس از پیدایش و تسلیم، از نگاه قانون‌گذار و برخلاف مخلوق مدنی، نهادی است مستقل که ایرادات موجود در هنگام آفرینش آن به بی‌اعتباری آن نخواهد انجامید.

۳. کاتوزیان، ناصر، پیشین (الف)، صص ۳۹۹-۴۰۵.

برابر قائل شده، آنها را در روند شکل‌گیری تعهد نقش‌آفرین داند. باین‌حال، این دیدگاه نقشی برای رضایت ذی‌نفع باور ندارد؛ چه اینکه فرض آن چنین است که تعهد به سود ثالث به طور کامل به نفع اوست و حقوق کنونی درباره احسان به دیگری و اقدام به سود هم‌نوعان سخت‌گیری را روا نمی‌دارد؛^۱ درحالی‌که قبولی ثالث در راستای حمایت از ارزش سند و بازگشت به ذی‌نفع برای دریافت مبلغ پرداختی است نه نیکوکاری نسبت به وی.

۲.۱.۲. ضمانت و نمایندگی

برخی از نویسندگان^۲ بر این باورند که می‌توان سرشت حقوقی پذیرش ثالث را بر پایه قرارداد ضمان توجیه کرد؛ بدین معنا که ثالث برای مضمون‌عنه (یعنی صادرکننده یا ظهرنویس) سند را پذیرفته، پس از پرداخت به منتفع از پذیرش خود برای دریافت آنچه پرداخته باز خواهد گشت. اگر نام ثالث از پیش بر روی آن گنجانده شده باشد، مضمون‌عنه کسی است که نام قبول‌کننده را در سند می‌گنجانند و مضمون‌له، دارنده سند به شمار خواهد آمد و درجایی که قبول‌کننده از پیش تعیین نمی‌شود، قرارداد میان پیشنهاددهنده و مضمون‌له (یعنی دارنده) بسته می‌شود. برخی دیگر^۳ نیز در راستای تعریف قبولی ثالث در برات گفته‌اند که در حقیقت، این عمل نوعی ضمانت است؛ زیرا کسی که سند را می‌پذیرد، تعهد به پرداخت مبلغ سند به سود دیگری کرده و حق رجوع به مسئول اصلی (منتفع از قبولی) را خواهد داشت که در راستای رسیدن به این هدف، قبول‌کننده، جانشین دارنده سند شده و از همه حقوق براتی برخوردار خواهد شد. همچنین این امر که قبول‌کننده باید اعلام نماید که از سوی چه کسی پرداخت وجه را در سررسید می‌پذیرد، همسانی آن را با قرارداد ضمان تقویت می‌کند؛ زیرا لزوم تعیین چنین شخصی به دلیل یکسانی مسئولیت قبول‌کننده با تعهد‌مدیون (منتفع از قبولی)^۴ برجسته‌ترین نکوهش وارد بر این دیدگاه این است که قبول‌کننده ثالث از اساس قصدی برای ضمانت از دیگری ندارد، بلکه به راستی، تعهد مستقل خویش و پرداخت آن را می‌پذیرد. جدای از این، برابری مسئولیت قبول‌کننده با تعهد ذی‌نفع

۱ همان، ص ۴۰۱.

۲ صقری، محمد، *اسناد: گزیده آموزشی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵؛ عبدی‌پور فرد، ابراهیم، *حقوق تجارت*، جلد ۱، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴، ص ۱۱۸.

3. Itriago, *Op. cit.*, p 939.

۴ اسکینی، ربیعا، پیشین(ب)، ص ۸۴.

گویای وجود رابطه ضمانت نیست؛ زیرا در حقیقت، ثالث با قبولی خویش تعهد براتی را می‌پذیرد. وانگهی، پیرو قاعده عام، ضامن در صورتی می‌تواند به مضمون‌عنه برای بازپرداخت رجوع کند که ضمانت با اجازه وی انجام شده باشد؛ درحالی‌که دست‌کم، در فرض عدم پیش‌بینی نام ثالث برای قبولی در سند، در هر حال حق رجوع برای وی وجود داشته، نیازی به رضایت ذی‌نفع نیست؛ همچنان‌که آن دسته از حقوق‌دانانی که به این تئوری گرایش نشان داده‌اند، در راستای توجیه امکان بازگشت وی به دیگر مسئولان دچار مشکل شده و در نتیجه، روی به توجیحات دورتری همچون اداره مال غیر و نمایندگی آورده‌اند.^۱

در برداشتی دیگر، می‌توان چنین گفت که مسئول منتفع از قبولی ثالث، به این شخص نمایندگی^۲ می‌دهد که از سوی وی مبلغ سند را به دارنده پرداخته و پس از پرداخت به وی بازگردد. در حقیقت، این تئوری نمایندگی مبنایی برای توجیه ماهیت حقوقی صدور برات در حقوق فرانسه بوده است^۳ و در حقوق ایران نیز برخی از نویسندگان^۴ احتمال آن را داده‌اند.

با این حال، این دیدگاه پوشش‌دهنده همه فروض قبولی ثالث در سند تجاری نیست؛ زیرا در فرض عدم پیش‌بینی ثالث در سند، توجیه وجود پیوند نمایندگی میان ذی‌نفع و ثالث استوار بر فرضی بعید است؛ چه اینکه امکان دارد، کسی که ثالث از سوی وی برات یا چک را می‌پذیرد، از وجود آن آگاه نشود^۵ و تحلیل بر پایه فصولی بودن نمایندگی و تنفیذ آینده نیز گرهی را نمی‌گشاید؛ زیرا تأیید یا عدم تأیید مسئول منتفع از این دخالت نقشی در درستی قبولی ثالث نخواهد داشت. جدای از این، نماینده مسئولیت مستقیمی در برابر طرف دیگر ندارد؛ درحالی‌که تعهدی که با پذیرش و امضای برات برای قبول‌کننده پدید می‌آید، مستقل از تعهد مسئول منتفع از این قبولی است.

۱. این حقوق‌دان به این نکته نیز آگاه بوده که اگر سرشت حقوقی تعهد پذیرنده ثالث بر پایه ضمان توجیه می‌گردد، پس، در حالت از میان رفتن تعهد مضمون‌عنه، تعهد ضامن نیز باید از میان رود که ایشان روی ندادن چنین امری را به دلیل اصل استقلال امضاها دانسته است (صقری، محمد، پیشین(الف)، صص ۲۳۹-۲۴۱).

2. Delegation.

۳. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۸۱، ص ۱۶۷.

۴. صقری، محمد، پیشین(الف)، ص ۲۳۹.

۵. پیش‌تر دیدیم که بایستگی آگاهی ذی‌نفع بر پایه نقش تأسیسی رضایت وی نیست.

۲.۲. چهارچوب خاص تجاری: قبولی ثالث به عنوان قبولی ثالث

دانستیم که دیدگاه‌های مطرح پیرامون سرشت حقوقی قبولی برات از ثالث تهی از اشکال نیست؛ چنان که برخی از آنها از اساس قانع‌کننده نبوده و برخی دیگر نیز نمی‌توانند به طور کامل توجیه‌کننده همه حالات و پیامدهای این عمل باشد. به راستی که در تئوری تعهد به سود ثالث این نکته برجسته فراموش شده است که این پذیرش تنها دربردارنده تعهدی به سود ثالث نیست، بلکه به زیان وی نیز است؛ زیرا ثالث پس از پرداخت امکان بازگشت به ذی‌نفع را دارد. اگر قرار است که از پیشنهاد قبول‌کننده و دارنده تعهدی نیز به سود ثالث پدید آید، رضایت وی لازم است؛ درحالی که قواعد مربوط چنین امری را بایسته ندانسته یا نارضایتی را منجر به بی‌اثری این قبولی نمی‌داند. همین مشکل پیرامون قرارداد ضمانت نیز هست. جدای از این‌ها، حتی اگر رجوع قبول‌کننده به ذی‌نفع بر پایه رضایت هرچند فرضی باشد، دستان پیش از وی چرا نسبت به ثالث پاسخگو هستند؟ چرا ذمه ثالث به ذمه مضمون‌عنه پیوست می‌شود؟

به راستی که وجود چنین نکوهش‌هایی مایه آن شد که دکتربین حقوقی^۱ در همان مرحله بررسی ماهیت صدور برات یا چک، از چهارچوب‌های سنتی دست کشیده و روی به اندیشه نوینی آورد؛ بدین معنا که صدور این اسناد نه تعهدی است یک سویه، نه انتقال و تبدیل تعهد و نه سپردن نمایندگی بلکه، عملی است خاص که از سوی قانون‌گذار مورد پذیرش قرار گرفته است. پس، عمل حقوقی صدور برات بر پایه وجود قراردادی توجیه می‌گردد که پیشنهاد آن با امضا و تحویل سند از سوی برات‌کش و پذیرش آن از سوی دارنده انجام می‌گیرد. پس از انجام این عمل حقوقی، ماهیت حقوقی به نام برات شکل می‌گیرد که به خودی خود دربردارنده تعهد براتی است. به دیگر سخن، سند تجاری پدیدآمده حاوی حقوق و تعهداتی است که هر کسی با پذیرش آن نسبت بدان پایبند خواهد شد. با دریافت سند است که دارنده از حقوق آن بهره‌مند و نسبت به تعهدات آن ملتزم خواهد شد، بی‌آنکه نیازی به ارائه تحلیل جداگانه‌ای از ماهیت عمل حقوقی باشد. از این روی، هنگامی که کسی با ظهنویسی آن را به دیگری واگذار می‌نماید، نیازی نیست تلاش شود که پیوند حقوقی میان دارنده پیشین و کنونی بر پایه انتقال یا تبدیل تعهد بررسی

۱. عرفانی، محمود، *حقوق تجارت*، جلد ۳، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵، ص ۳۴؛ اسکینی، ربیعا، پیشین(الف)، ص ۲۷؛ بهرامی، بهرام، *حقوق تجارت کاربردی*، تهران: نگاه بینه بهنامی، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۳۲.

شود یا به دنبال توجیه رابطه قراردادی میان برات‌کش و دارنده کنونی گشت، بلکه پیدایش سرشت برات خود دربردارنده حقوق و تعهداتی است که ظهرنویس و دارنده کنونی خود به خود از آنها بهره‌مند و بدان‌ها پایبند خواهند بود.^۱

اکنون، باید دانست که «ذی‌نفع» قبولی ثالث، «خود سند» است، نه کسی که به نام او سند نکول شده پذیرفته می‌شود. بازگشت به سوی ذی‌نفع را باید به حکم همان قانون و سرشت ویژه این قبولی دانست. این پذیرش تنها به سود دارنده یا ذی‌نفع آن نیست، بلکه به سود خود سند است؛^۲ چه اینکه ارزش سند را برای گردش و اطمینان بدان در دادوستدها در امان نگه می‌دارد. بر پایه این، ماهیت حقوقی قبولی ثالث نیز نیازی به کنکاشی جداگانه ندارد؛ زیرا قبول کننده نیز در اصل سندی را می‌پذیرد که حاوی حقوق و تکالیفی است. امکان رجوع وی به مسئول منتفع از این قبولی، به‌خاطر همین حقوق و تکالیفی است که ریشه در حکم قانون‌گذار دارد. با این تفاسیر، چگونگی شناخت ماهیت عمل قبولی ثالث، وضعیت همسانی با ماهیت حقوقی قبولی برات از سوی برات‌گیر به عنوان متعهد اصلی برات خواهد داشت. باید اشاره داشت که در حقوق ما نیز برخی از حقوق‌دانان تجارت^۳ که بیشتر به دنبال توجیه ماهیت حقوقی قبولی ثالث بر پایه نظریات سنتی بوده‌اند، احتمال پیدایش تعهد براتی برای قبول کننده ثالث را نیز داده‌اند.

از این‌روی، به‌نظر می‌رسد، بهره‌گیری از عنوان شخص ثالث پس از قبولی برات یا چک از سوی چنین کسی درست نباشد؛ زیرا با پذیرش برات و شمول تعهد براتی بر چنین کسی، وی یکی از طرفین سند تجاری خواهد شد^۴ و از همین‌جاست که تفاوت میان «نهاد قبولی برات یا

۱. میری، حمید و همکاران، پیشین، صص ۲۱۴-۲۱۷.

۲. از همین‌روی می‌توان به حکم قانون‌گذاران مبنی بر رهایی موقت ذی‌نفع این قبولی تا هنگام پرداخت از سوی ثالث خرده گرفت.

۳. صقری، محمد، پیشین(الف)، ص ۲۴۰.

۴. پرداخت کننده ثالث طرفی از سند نمی‌شود؛ زیرا تنها برات را پرداخت می‌کند بی‌آنکه از پیش تعهد براتی داشته باشد. امضای سند و گنجانیدن پرداخت در واخواست‌نامه نیز تنها امری است اثباتی، درحالی‌که قبول کننده، برات را به عنوان مسئول می‌پذیرد؛ چه اینکه پیش از آن طرفی از سند قلمداد می‌شود. این امر که پیرو قانون، پرداخت کننده ثالث، حقوق دارنده را دارد، به معنای تلقی وی به عنوان طرفی از سند نیست، بلکه این مقرر، دستوری است استثنایی از سوی قانون‌گذار. به دیگر سخن، قانون‌گذار پس از پرداخت چنین ثالثی را جانشین دارنده فرض می‌نماید. بدینسان، چنانچه گفته شد، حق قبول کننده ثالث همانند پرداخت کننده ثالث است، او نیز که با قبولی، تعهد براتی یافته، به طریق اولی باید جانشین دارنده شود.

چک از سوی شخص ثالث» با «نهاد پرداخت برات یا چک از سوی شخص ثالث» به دست خواهد آمد.^۱

۳. پیامدهای قبولی ثالث

همان‌گونه که در بخش پیشین گفته شد، قبولی ثالث، عمل حقوقی خاص است که پیامدهای ویژه خود را دارد و برجسته‌ترین آنها، پیدایش تعهد براتی است. این آثار شامل حقوق و تعهدات معمول سند تجاری است که قبول‌کننده با پذیرش و امضای آن مشمول آنها می‌شود. این حقوق و تکالیف مواردی چون حق بازگشت به مسئول منتفع، التزام نسبت به امضای زده شده بر برات و ناتوانی برای استناد به ایرادات است.

البته، پرسش این است که ثالث پس از پرداخت مبلغ برات یا چک به چه کسانی حق رجوع خواهد داشت؟ در این باره، قانون بروات انگلستان پیرامون حق رجوع قبول‌کننده ثالث خاموش است و به طور همسان، درحالی که ماده ۶۳ کنوانسیون ۱۹۳۰ ژنو در بخش سوم از فصل هشتم با عنوان «پرداخت با مداخله»^۲ می‌آورد: «کسی که با مداخله مبلغ برات را می‌پردازد، حقوق برخاسته از سند را در برابر کسی که از سوی وی پرداخت می‌نماید و نیز در برابر کسانی که در برابر شخص اخیر بر پایه سند برات مسئولیت دارند، خواهد داشت»، در بخش دوم پیرامون «قبول با مداخله» چنین حکمی دیده نمی‌شود. همین ترتیب در قانون بازرگانی فرانسه نیز دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که به امکان رجوع ثالث پس از پرداخت تنها در ماده ۷۱-۵۱۱ ال و درگفتار پیرامون «پرداخت از سوی شخص ثالث» اشاره شده است. این امر در قانون تجارت ما نیز رخنه کرده است؛ زیرا درحالی که قانون‌گذار در ماده ۲۷۱ در بخش «تأدیه برات به واسطه شخص ثالث»، به پرداخت‌کننده ثالث حقوق و تکالیف دارنده برات را داده است، در گفتار مربوط به قبول شخص ثالث پاسخی به این پرسش نمی‌دهد. این کاستی را نویسندگان حقوقی با برداشت از

۱. با این حال، هرچند در فرضی که نام قبول‌کننده باید در برات گنجانده شود، به دلیل گنجانده شدن قبولی وی - که با امضا یا مهر وی انجام شده- و نقش ظاهر سند در پیدایش آثار ویژه سند تجاری، می‌توان پذیرفت که قبول‌کننده ثالث طرفی از سند می‌شود، ولی از دید قانون تجارت ما که ضرورتی به گنجاندن قبولی در خود سند ندیده است، چگونه می‌توان این نتیجه را برای قبولی ثالث شناسایی نمود؟ البته، می‌توان چنین توجیه کرد که ذکر قبولی در واخواست، به مانند پذیرش در خود سند است.

2. Payment by Intervention.

مقررات مربوط به پرداخت از سوی ثالث زوده و گفته‌اند^۱ که پرداخت‌کننده در راستای دریافت آنچه پرداخته است، می‌تواند به کسی که به سود او برات را پذیرفته و دستان پیش از وی بازگردد. این درحالی است که ماده یادشده، همه حقوق دارنده برات را به پرداخت‌کننده ثالث داده است و نیک می‌دانیم که یکی از حقوق دارنده، در صورت نکول برات، حق بازگشت به همه مسئولان برات است.

به باور ما، دلیل نیامدن نصی درباره حق رجوع قبول‌کننده ثالث به امری روشن باز می‌گردد، به این معنا که تا پیش از پرداخت، تغییری در هدف نهایی صدور سند تجاری که همان پرداخت است، رخ نداده است.^۲ از همین روی است که قانون تجارت ما در ماده ۲۴۰، حقوق برخاسته از سند را همچنان برای دارنده، حتی در برابر منتفعان از نقش‌آفرینی ثالث محفوظ می‌داند.^۳ بنابراین، پس از پرداخت از سوی ثالث، به قیاس اولویت، وی در همان جایگاه پرداخت‌کننده ثالث بوده و از حقوق وی بهره‌مند خواهد شد.

۱. Bigelow, Op.cit, p 63 فخاری، امیر حسین، پیشین، ص ۷۵.

۲. اگر بپذیریم که ثالث پس از پذیرش سند نیز همچنان بیگانه‌ای است نسبت به سند، با این برداشت که هرکسی مگر برات‌کش، دارنده و برات‌گیر، ثالث خواهد بود، پرداخت از سوی وی نیز به مانند پرداخت از سوی ثالث دانسته شود.
 ۳. بر پایه همین است که پیرو پاراگراف دوم از بخش ۶۶ ق.ب.ا. و ماده ال ۵۱۱-۶۶ ق.ب.ف. قبول‌کننده ثالث نه تنها در برابر دارنده، بلکه در برابر دستان پس از ذی‌نفع این دخالت نیز پاسخ‌گوست؛ درحالی که برات‌گیری که برات را پذیرفته، تنها در برابر دارنده تعهد براتی خواهد داشت (بخش ۵۴ همان قانون و ماده ۲۴۹ ق.ت.).

نتیجه گیری

از پژوهش انجام گرفته این گونه برمی آید که دیدگاه‌های مطرح در زمینه ماهیت عمل قبولی شخص ثالث ذهن را درگیر فرضیات و پیچیدگی‌های ساختگی می‌نماید و در برابر، برخی دیگر از دیدگاه‌ها آن چنان ساده‌انگارانه‌اند که گاه اراده‌های اشخاص دخیل در پیدایش ماهیت را نادیده می‌گیرند. بنابراین، به نظر می‌رسد، یگانه نظریه‌ای که می‌تواند مورد دفاع قرار گیرد، نظریه عمل حقوقی خاص شمرده شدن قبولی شخص ثالث است. اگر مقتضیات و نیاز جامعه لازم می‌داند که تعهد به نفع شخص ثالث اثر مستقیم قرارداد و نوع خاصی از آن شمرده شود، نیاز به حفظ ارزش برات و پاسداری از اعتبار آن تا اندازه ممکن می‌طلبد که قبولی ثالث نیز معتبر شمرده شود. البته، ماهیت تعهدی که قبولی ثالث پدید می‌آید، ماهیت جداگانه‌ای از تعهد براتی نخواهد داشت. به سخنی دیگر، با قبولی ثالث، قبول کننده طرفی نسبت به سند تجاری قلمداد شده، نسبت به حقوق و تکالیف برخاسته از آن پایبند شمرده می‌شود.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. اخلاقی، بهروز، *اسناد تجاری: تقریرات*، تهران: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۲. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت: برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک*، تهران: سمت، چاپ هفتم، ۱۳۸۳.
۳. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت تطبیقی: چک، سفته و برات در حقوق ایران، فرانسه و انگلیس*، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۴. بهرامی، بهرام، *حقوق تجارت کاربردی*، تهران: نگاه بینه بهنامی، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *حقوق تعهدات*، تهران: گنج دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.
۶. حیاتی، علی عباس، *قواعد عمومی قراردادها*، تهران: میزان، چاپ اول، ۱۳۹۲.
۷. ستوده تهرانی، حسن، *حقوق تجارت*، جلد ۳، تهران: دادگستر، چاپ بیست و دوم، ۱۳۹۱.
۸. شهیدی، مهدی، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۰.
۹. شهیدی، مهدی، *سقوط تعهدات*، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۱۰. شیوارضوی، کاظم، *مطالعه تطبیقی گردش چک در حقوق ایران با توجه به قوانین*، تهران: گیلان، ۱۳۴۸.
۱۱. صفایی، حسین، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد ۲، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ پانزدهم، ۱۳۹۲.
۱۲. صقری، محمد، *اسناد: گزیده آموزشی*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۸۷.
۱۳. صقری، محمد، *حقوق بازرگانی: اسناد*، جلد ۱، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰.
۱۴. طاهری، سهیل، *تضامن در اسناد تجاری*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶.
۱۵. عبادی، محمدعلی، *حقوق تجارت*، تهران: گنج دانش، چاپ سی و سوم، ۱۳۹۲.

۱۶. عبدی پورفرد، ابراهیم، *مباحثی تحلیلی از حقوق تجارت*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۱۷. عبدی پورفرد، ابراهیم، *حقوق تجارت*، جلد ۱، تهران: مجد، چاپ اول، ۱۳۹۴.
۱۸. عرفانی، محمود، *حقوق تجارت*، جلد ۳، تهران: میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۱۹. فخّاری، امیرحسین، *اندیشه‌های حقوقی (۳): حقوق تجارت*، تهران: مجد، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۲۰. کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، جلد ۳، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۳.
۲۱. کاتوزیان، ناصر، *نظریه عمومی تعهدات*، تهران: میزان، چاپ پنجم، ۱۳۸۹.
۲۲. کاتوزیان، ناصر، *حقوق مدنی ایقاع*، تهران: میزان، چاپ ششم، ۱۳۹۳.
۲۳. کاویانی، کوروش، *حقوق اسناد تجاری*، تهران: میزان، ۱۳۹۱.

مقاله

۲۴. محمدی، سام، *ماهیت حقوقی تعهد به نفع شخص ثالث*، فصلنامه حقوق ۱، دوره ۳۹، ۱۳۸۸.
۲۵. میری، حمید، سیروس شهریاری و مصطفی عابدین‌پور، *بررسی تحلیلی برخی از جنبه‌های حقوقی برات از دریچه لایحه نوین تجارت*، پژوهش‌های حقوقی ۳۲، سال شانزدهم، ۱۳۹۶.

ب) منابع عربی

۲۶. ریپر، ج. روبلو، *المطول فی القانون التجاری*، جلد ۲: الأسناد التجاریه المصارف والبورصات العقود التجاریه الأصول الجماعیه، ترجمه: علی مقلد، بیروت: المؤسسة الجامعیه للدراسات و النشر، ۲۰۰۸.

ج) منابع انگلیسی

Books

27. Bigelow, M. Madison, *The Law of Bills, Notes, and Cheques*, 2nd ed. Boston: Little, Brown, 1990.

28. Bussel, J.A., Maclachlan, D. *Chitty on Bills of Exchange, Promissory Notes, Cheques on Bankers, Bankers Cash Note and Bank Notes; with references to the Law of Scotland, France and Amerika*, 10th ed, London, 1889.
29. De Leon, H.S. *United Nations Convention on International Bills of Exchange and International Promissory Notes*, New York: Published & distributed by Rex Book Store, 1988.
30. Megrah, M. Ryder, F.R. *Byles on Bills of Exchange: The Law of Bills of Exchange, Promissory Notes, Bank Notes and Cheques*, London: Sweet & Maxwell, 23th Edition, 1972.
31. Story, J. *Commentaries on the Law of Bills of Exchange: Foreign and Inland, as Administered in England and America, with Occasional Illustrations from the Commercial Law of the Nations of Continental Europe*, New Jersey: The Law book Exchange LTD, 2005.

Article

32. Geva, Benjamin. "The Modernization of the Bills of Exchange Act: A Proposal", *Canadian Business Law Journal* 50, 2011.
33. Itriago, S. "Acceptance by Intervention in Bills of Exchange", *Michigan Law Review* 43(5), 1945.

